روزنامه شرق

دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷ • ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ • ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸

سال شانزدهم • شماره ۳۳۲۴ • ۱۶صفحه • ۲۰۰۰ تومان

مقام معظم رهبری:

کاری کنید که نیروی انتظامی در چشم مردم مقتدر و هوشیار باشد

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، روز گذشته در دیدار فرماندهان و مسئولان نیروی انتظامی با تشکر از تلاش‌های حافظان نظم و امنیت، این نیرو را در معرض نگاه و قضاوت عمومی دانستند...

صفحه ۲

رئیس کمیسیون فرهنگی در گفت‌وگو با «شرق» خبر داد

رسانه ملی هیئت‌امنایی می‌شود

گروه سیاست: ملاحظات سیاسی و رویکرد صداوسیما در مواجهه با مسائل کشور عیان‌تر از آن است که نیاز به طرح دوباره داشته باشد، اما انتقادات اخیر نمایندگان مجلس از این سازمان نشان‌دهنده نیاز جدی به رفع بستر موجود و ممانعت...

صفحه ۶

برندگان اصلی افزایش حجم شبه‌پول در سیستم بانکی چه کسانی هستند؟

۲۴۰ هزار میلیارد در جیب یک‌درصد

بین ۳۰ تا ۶۰ درصد دارایی‌های اعلامی بانک‌ها موهومی است

گروه اقتصاد،مرضیه امیری: «هیولای نقدینگی»؛ این تعبیری است که برخی از کارشناسان در توصیف چالش بزرگ امروز اقتصاد ایران از آن استفاده می‌کنند. حجم نقدینگی با چنان سرعتی پیش می‌رود که حتی از پیش‌بینی‌ها هم سبقت گرفته و در مهرماه به نزدیک هزارو ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده؛ درحالی‌که این رقم، میزان برآوردی بود که کارشناسان تا پایان سال برای نقدینگی می‌کردند؛ اما حالا در هفت ماه ابتدای امسال این رقم محقق شده است. اگرچه افزایش حجم نقدینگی به خودی خود برای اقتصاد خطرآفرین نیست؛ اما آنچه حجم نقدینگی در اقتصاد ایران را به یک بحران تبدیل کرده، ترکیب نقدینگی است. حدود سه درصد آن پول پرقدرت (اسکناس و مسکوک) است و نسبت شبه‌پول (سپرده‌های بلندمدت) به کل حجم نقدینگی به حدود ۹۰ درصد می‌رسد.

ادامه در صفحه ۵

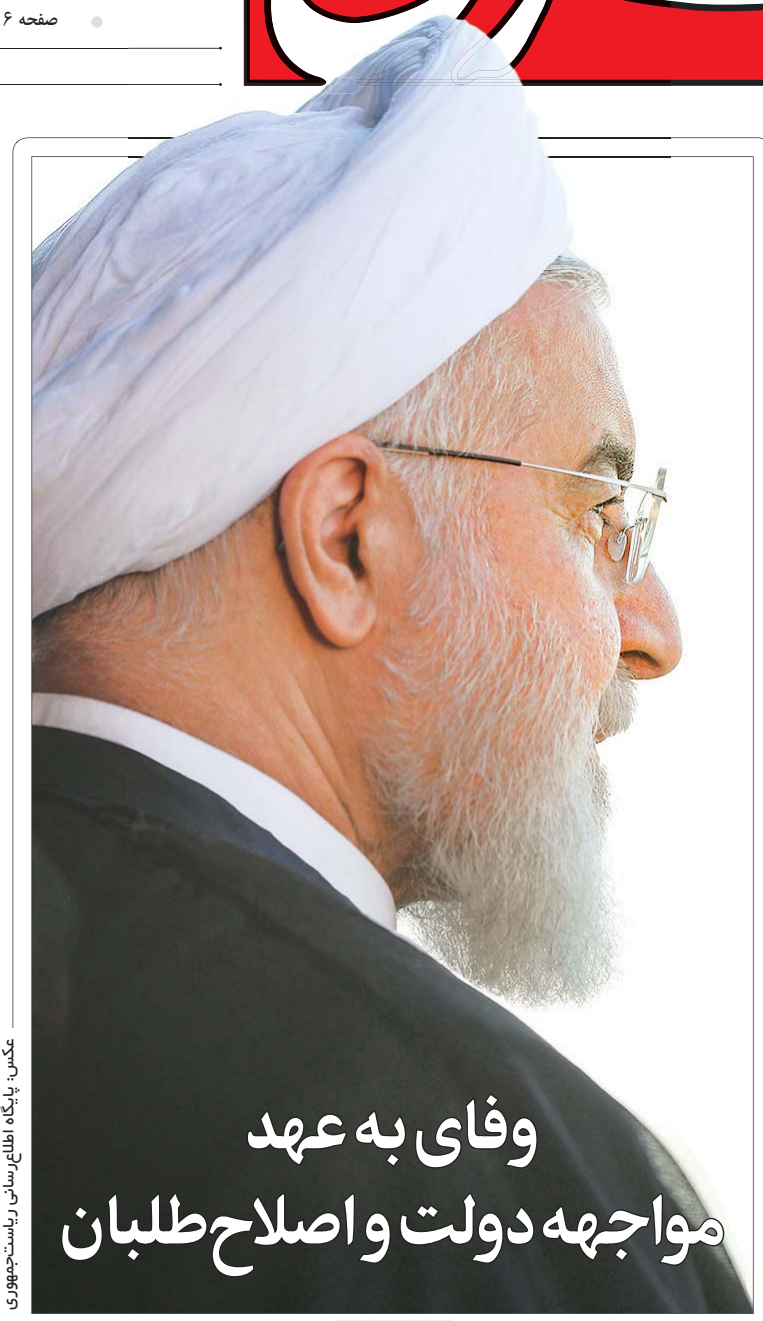

وفای به عهد مواجهه دولت و اصلاح طلبان

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

صفحه ۲

ورود به حیاط خلوت شهرداری دوره قالیباف

صفحه ۱۳

تیترها

بر مأموریت خارجی کدام دستگاه نظارت نمی‌شود

صفحه ۲

اظهارات ۲ عضو حزبی عراق درباره نیروهای ایرانی

قاسم سلیمانی به‌طور رسمی و از طریق فرودگاه به عراق می‌آید

صفحه ۳

آشنا: رئیسی از درون قوه قضائیه است

صفحه ۲

چرایی سکوت دستگاه‌های منصوب‌کننده

تحلیلی بر انتصاب‌های فامیلی اخیر

صفحه ۱۵

رمزگشایی از مرگ منتقد سعودی

صفحه ۷

ماهینی: نسبت به مردم احساس دِین می‌کنم

صفحه ۱۴

سرمقاله

ایران، بعد از خروج آمریکایی‌ها از سوریه

سیدعلی خرم . استاد حقوق بین‌الملل

اعلام خروج نیروهای آمریکایی از سوریه آن‌قدر آثار و تبعات برای ایران دارد که از زوایای مختلف نیازمند به بررسی است. آیا دلایل خروج صرفا امنیتی و نظامی هستند؟ یا به قول برخی تحلیلگران صرفا دلایل اقتصادی دارند؟ آنها که دلیل این خروج نیروها را صرفا اقتصادی می‌دانند، به چارچوب فکری دونالد ترامپ به‌عنوان یک تاجر استناد می‌کنند که همه چیز را از زاویه «هزینه و فایده تجاری- اقتصادی» ارزیابی می‌کند و اغلب اوقات دلایل سیاسی یا بین‌المللی و حتی امنیتی- نظامی برای او جایگاهی ندارند. این چارچوب فکری ترامپ بارها در مدت دو سال گذشته مشکل‌آفرین شده و منتهی به استعفای بسیاری از دولتمردان و مشاوران او شده که آخرین آنها جیمز متیس، وزیر دفاع و برک مک‌گورگ، نماینده ویژه آمریکا در ائتلاف بین‌المللی مبارزه با داعش، هستند که در چند روز گذشته از مقام خود استعفا داده‌اند. این روش و چارچوب فکری ترامپ و واکنش دولتمردان آمریکا که تلاش می‌کنند ترامپ را متوجه اهمیت دلایل سیاسی بین‌المللی یا امنیتی نظامی کنند و موفق نمی‌شوند، به‌خوبی در کتاب «ترس و وحشت در سایه حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید» تشریح شده است. بی‌شک می‌توان استعفای دو نفر اخیر را نیز در این راستا تفسیر کرد. اگر همکاری‌های ترامپ با عربستان را بتوان با دلایل تجاری و اقتصادی توجیه کرد؛ ولی قطعا انتقال پایتخت اسرائیل به بیت‌المقدس و نابودکردن احتمال تشکیل دولت فلسطینی یا احداث دیوار ۵.۷ میلیارد دلاری بین آمریکا و مکزیک که طبق برآورد اغلب متخصصان اقتصادی آمریکا دارای توجیه اقتصادی نیست، بیان‌کننده دلایل دیگری هستند. دشمنی دیوانه‌وار دونالد ترامپ با ایران یقینا دلایلی غیر از تجاری و اقتصادی دارد. ترامپ می‌توانست فروش بیش از ۱۱۵ فروند بویینگ به ایران و سرمایه‌گذاری کارخانجات اتومبیل‌سازی آمریکا در ایران را مقدمه‌ای برای بهره‌برداری‌های تجاری-اقتصادی خود قرار دهد؛ ولی برخلاف انتظار، همه دستاوردهای تجاری- اقتصادی اوباما را متوقف کرد. از این نظر آنان که فقط تفسیر تجاری و اقتصادی از سیاست‌های ترامپ و خصومت دیوانه‌وار او با ایران دارند، باید مطلق‌بودن این دیدگاه را منتفی بدانند. شاهد گفتار اینکه ترامپ نتوانست در اجلاس هفت کشور صنعتی با متحدان خود در مسائل اقتصادی کنار بیاید. دلیل دیگری که خود دونالد ترامپ بر آن تأکید می‌کند «اول‌شدن آمریکا در جهان» و «برآورده‌کردن قول‌های انتخاباتی» است. به عبارت دیگر در جایی که منافع آمریکا مطرح نباشد یا آمریکا نتواند فرمانده و اول باشد؛ یا آنجا را ترک می‌کند یا آنجا را به هم می‌ریزد. پس می‌توان تحلیل کرد که آمریکا احساس کرد در سوریه ازاین‌پس ابتکاری مهم در دست ندارد و کلاف بیشتر در دست روسیه، ایران و ترکیه است که قرار است قانون اساسی سوریه را با کمک سازمان ملل متحد تدوین و به استقرار قانون و دموکراسی کمک کنند و شرایط برای بازگشت آوارگان فراهم شود. ادامه حضور آمریکا در سوریه می‌تواند در انتخابات سال آینده سؤال‌برانگیز باشد؛ اما دیدگاه بعدی که خصومتی شدید با ایران به شمار می‌رود، قدری جای تردید باقی می‌گذارد که آمریکا صحنه سوریه را برای ایران خالی بگذارد. به عبارت دیگر این خالی‌کردن صحنه سوریه باید با یک اقدام دیگر، سیاست خصومت‌آمیز آمریکا درباره ایران و تبلور «تابستان داغ» را توجیه کند. اگر ناو هواپیمابر آمریکایی به خلیج فارس اعزام نشده بود، شاید می‌توانستیم خروج نیروهای آمریکایی از سوریه و افغانستان را صرفا صرفه‌جویی در هزینه‌ها و جلوگیری از سرزنش ترامپ در مبارزات انتخاباتی تفسیر کنیم؛ ولی حضور این ناو در خلیج فارس و بهانه‌گیری‌های اسرائیل درباره حزب‌الله و ایران و نیت آشکار دولت ترامپ درمورد ایران و دلایل دیگر نشان می‌دهد دونالد ترامپ، اسرائیل و عربستان به‌هیچ‌وجه نیت دوستانه و صادقانه‌ای در منطقه درباره ایران ندارند. البته ایران می‌تواند دولت ترامپ را برای انگیزه‌های اقتصادی آزمایش کند و اجازه ندهد طرح‌های این سه کشور آن‌قدر عملیاتی شود که امکان توقف آن وجود نداشته باشد. از سوی دیگر بهانه‌ندادن به این مثلث شوم باید در سیاست عملی کشور شامل سیاست داخلی و سیاست خارجی کاملا اعمال شود. از سوی سوم، گرم‌کردن روابط با دوستان و آنها که با آمریکا همراه نیستند، نظیر اروپا باید به طور جدی در دستور کار سیاست خارجی ما قرار بگیرد.

یادداشت

وقتی مشکل به فرصت تبدیل می‌شود

رخشان بنی‌اعتماد

کتاب «پسر دیرآموز من» نوشته مهوش کیان‌ارثی روزنامه‌نگار، تجربیات ارزشمند یک مادر تحصیل‌کرده در برخورد با شرایط متفاوت فرزند خود است. نویسنده در قالب مرور خاطرات دوران رشد پسر خود، در حیطه خاطره‌گویی محدود نمی‌ماند و به‌واسطه نگاه آگاهانه‌اش، به زبانی روان و قابل درک برای هر مادر و پدری که در شرایط مشابه قرار دارند، مواجهه خود با شرایط پیچیده پیش‌رویش را در قالب انتقال تجربه بازگو می‌کند.

کتاب «پسر دیرآموز من» سند باارزشی از یک تجربه عینی و تلاشی سی‌وچندساله است که کمبودها و نداشته‌های آموزشی و پرورشی را برای این طیف از بچه‌های جامعه به‌روشنی پیش‌رو می‌گذارد و نشان می‌دهد که اگر اراده جدی برای توجه به نیازهای کودکان درگیر با مشکلات خاص وجود داشته باشد، می‌توان با راهکارهایی در جهت توانمندسازی، از تبدیل‌شدن آنها به جمعیت رانده‌شده و منزوی جلوگیری کرد.

شخصا با خواندن کتاب «پسر دیرآموز من» یقین آوردم که ارزش این کتاب محدود به طیف مخاطب خاص خود نیست.

از سال‌های دور به دلیل دوستی با مهوش و پیروز کلانتری، همکار فیلم‌سازم و نزدیکی سن بچه‌هایمان، پویا و باران، دورادور در جریان تلاش آن دو به عنوان پدر و مادری آگاه و متوجه نسبت به پرورش پویا بوده‌ام. شرایط دشوار آنها برای پیداکردن راه‌حل‌هایی خاص برای پرورش پویا را درک می‌کنم، ولی از آنجا که در همه این سال‌ها ذره‌ای گلایه، خستگی و شکایت از هیچ‌یک از آنها ندیدم و نشنیدم، با خواندن این کتاب از خودم و خودمان شرم کردم. از نق‌نق‌هایی که مدام در موقعیت‌هایی به‌مراتب کم‌اهمیت‌تر و از سر شکایت از بداقبالی و کم‌شانسی ورد زبانمان است و از اینکه در رویارویی با کوچک‌ترین وضعیتی که روال به‌ظاهر طبیعی زندگی‌مان را به هم می‌ریزد، تعادلمان را از دست می‌دهیم و راه خود و روال زندگی‌مان را گم می‌کنیم.

مهوش در این کتاب به تجربه‌هایی اشاره می‌کند که شخصا در مقاطعی شاهدش بوده و دیده‌ام که در رویارویی با یک سیستم آموزشی ناکارآمد که هیچ جایگاه آموزشی و پرورشی برای افراد متفاوت ندارد، چطور او و پیروز با تلاشی طاقت‌فرسا برای پیداکردن راه‌حل‌های خاص، توانستند شرایطی حداقلی برای توانمندسازی پویا و دیگر بچه‌هایی که مشکل مشترک داشتند، فراهم کنند. آنها در کنار خانواده‌های هم‌موقعیت خود، دو انجمن خاص بچه‌های دیرآموز تأسیس کردند و حل مسائل خود را به مشارکت گذاشتند.

کتاب «پسر دیرآموز من» جدا از تجربیات و خاطرات یک مادر درباره پسر دیرآموز خود، درسی الهام‌بخش از درک یک زن آگاه نسبت به شرایط زندگی شخصی و اجتماعی‌اش است که حالا در کنار پویای ۳۴ساله‌اش به کاری بزرگ دست زده است. او با انتشار این کتاب تمام انرژی و تمرکز خود را بر آگاهی‌بخشی و انتقال تجربه به دیگر مادران گذاشته است. هدف ارزشمند مهوش کیان‌ارثی را مصداق کامل گفته توران میرهادی عزیز می‌دانم: مصیبت‌های بزرگ را باید به کارهای بزرگ تبدیل کرد.

او معتقد است با برقراری ارتباط با دیگر مادرانی که مشکل مشترک با او دارند، می‌تواند اندوخته‌ها و تجارب علمی و عملی‌اش را با آنها به گفت‌وگو بگذارد و از این راه، خود انرژی تازه و مضاعفی برای ادامه راهش به دست آورد. این انرژی ستایش‌آمیز داوطلبانه باید توسط سازمان‌ها و ارگان‌های مرتبط با جمعیت کودکان دیرآموز و نیز دانشگاه‌ها و به‌خصوص سازمان بهزیستی مورد اقبال و استفاده قرار گیرد و از آنها انتظار می‌رود مسیر انتقال تجارب این مادر و خوانده‌شدن هرچه‌بیشتر این کتاب را باز کنند. مهوش داوطلب است در هر جای کشور که به کسب تجربه‌های او نیاز دارند، حضور پیدا کند. چنین امکان و ارتباطی که برای یک تشکیلات اداری می‌تواند مستلزم هزینه و برنامه‌ریزی زمان‌بر باشد، با کار حداقلی دراختیارگذاشتن یک سالن و خبررسانی مطلوب برای انتقال این تجربه عملی است. بی‌شک این حرکت مهوش کیان‌ارثی و همراهی پیروز کلانتری با او، در راه فراهم‌کردن زندگی بهتر برای پویای نازنین، باارزش‌ترین اثر خلق‌شده از این دو دوست فرهیخته به عنوان روزنامه‌نگار و فیلم‌ساز است.

کتاب «پسر دیرآموز من» تألیف مهوش کیان‌ارثی در انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی منتشر شده است.

یادداشت

تحریم را تاب می‌آورند اگر...

صالح نقره‌کار
وکیل دادگستری

ارزیابی عملکرد اهرم‌های تضمین حقوق مالکیت در ایران یک ضرورت برای بهبود وضعیت اقتصادی حاضر است. این روزها پای درددل فعالان اقتصادی که می‌نشینیم، مصیبت‌های زیادی از فقدان امنیت سرمایه‌گذاری مطرح می‌کنند. دسته کثیری از این کنشگران اقتصادی که عاشق وطنند و فقط به منفعت فردی فکر نمی‌کنند، حاضر نیستند سرمایه و دانش خود را به خارج مرزها ببرند؛ عمدتا برای آبادی و رونق و اشتغال بیش از برخی مسئولان دل می‌سوزانند و مدام در تکاپوی راهکارهای ماندن و رشدافزایی هستند. با این درک در وضعیت رکود فعلی، مهم‌ترین اولویت کشور ایجاد امنیت و امید و انگیزه برای فعالان بخش خصوصی است. دستگاه قضائی و نظام حقوقی در این روند چه تکلیفی برای تأمین خیر عمومی در ساحت دفاع از حقوق اقتصادی دارند؟ تولیدکنندگان باید دلگرم به‌جریان‌انداختن سرمایه خود شوند. اطمینان از امنیت سرمایه و سودمندی جز با تضمین حقوق و تنظیم مناسبات بر مدار حقوق اقتصادی منصفانه تحقق‌پذیر نیست. فعالیت بخش خصوصی هماره تحت تأثیر روابط نامتوازن متقابل دولت و بازار دستخوش نوسانات غیرارادی شده و روند توسعه این بخش را با چالش مواجه می‌کند. مقررات دقیق، حساب‌شده، آینده‌نگرانه و متضمن انصاف با تحدید حد مداخله دولت در زمینه اقتصادی می‌تواند به رشد بازار بر محور بخش خصوصی کمک کند. می‌توان این نارسایی‌ها را ضمن یک تحلیل آماری در میان انبوه پرونده‌های دستگاه قضائی به‌ویژه آنجا که موجب ورشکستگی یا انحلال یک واحد تجاری مستقل می‌شود، مرور و استنتاج کرد. عملکرد ناکارآمد برخی بنگاه‌های دولتی و اقدامات مداخله‌گرانه و رقابت تبعیض‌آمیز با بخش خصوصی و اقتصاد رانتی و فساد هماره مخل روند توسعه بخش خصوصی بوده است. بدتر از همه نابسامانی تصمیمات و تغییرات مکرر که اصل پیش‌بینی‌پذیری تجارت را با خاک یکسان می‌کند، عدم تقید به اجرای قراردادها یا بی‌تعهدی مسئولان به اجرای وعده‌ها یا قوانین، مقررات، مصوبه‌ها و بی‌ثباتی اقتصادی و پیش‌بینی‌ناپذیربودن تغییرات رویه‌های اجرائی یا ارزش پول ملی و عدم اجرای تعهدات یک طرف قرارداد نسبت به طرف دیگر به دلیل موقعیت متفاوت طرفین و تغییر رویکرد جدید مدیریتی پس از تغییر دولت‌ها یا نارسایی دستگاه‌های مسئول در احقاق حق شاکی و تنبیه سریع و مؤثر متجاوزان به حقوق مالکیت دیگران به‌طوری‌که تجاوز به حقوق مالکیت دیگران مقرون به‌صرفه شود و فرایند دادرسی و پیگیری حقوق مورد تجاوز، طولانی، پیچیده و پرهزینه باشد، جملگی نسبت مستقیمی با افول چراغ روشنایی بخش اقتصادی کشور دارد. خرد انتقادی ایجاب می‌کند زمینه‌های تزلزل حقوق بخش خصوصی با تمرکز بر نقش‌آفرینی نظام حقوقی و خصوصا دستگاه قضائی واکاوی شود. شناسایی و تضمین حقوق بخش خصوصی از سوی دستگاه قضائی می‌تواند زمینه‌ساز امید بخشی فعالان مولد در کشور و راهگشای پالایش فضای اقتصادی باشد. حمایت قاطع قضائی از فضای سرمایه‌گذاری مساعد و مناسب کسب‌وکار، در تولید و رشد موفق واحدهای تولیدی، بسیار تأثیر دارد. نقض حقوق مالکیت ازجمله موانعی است که انگیزه برای سرمایه‌گذاری، نوآوری و تولید را از بین می‌برد. به همین دلیل، مسئله حقوق مالکیت و کیفیت و راهکارهای تضمین آن، واجد جایگاه مهمی در مباحث مربوط به کارآفرینی و محیط کسب‌وکار است. فقط در شرایط مساعد کسب‌وکار است که یک بنگاه می‌تواند به صورت کارا و بهینه عمل کند. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، شاخص کل امنیت سرمایه‌گذاری در ایران برای زمستان ۱۳۹۶ عدد ۵.۹۸ از ۱۰ ارزیابی شده است. در میان نماگرهای هفتگانه شاخص امنیت اقتصادی در زمستان ۱۳۹۶، نماگرهای ثبات اقتصاد کلان و تعریف و تضمین حقوق مالکیت ارزیابی قابل تأملی دارد. همچنین رتبه ایران در آخرین گزارش شاخص بین‌المللی حقوق مالکیت در سال ۲۰۱۸ رتبه ۹۹ در میان ۱۲۵ کشور بوده است. شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی نیز رتبه ۱۲۴ از میان ۱۹۰ کشور در گزارش ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد. شرط اول قدم بازخوانی همه قوانین و مقررات برای حمایت و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری است. وقتی بدعهدی خارجی به صورت تجربه انباشته برای نظام اقتصادی و سیاسی کشور مسجل است، چه پیامی رساتر از اینکه باید سرمایه‌های داخلی را با همه قوا پاس داشت. شناسایی جدی حقوق فعالان اقتصادی و کارآفرینان با هدف پیشگیری از تعدی به حقوق آنها و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و خطوط تولیدی بنگاه‌ها و حقوق کارگران یک وظیفه برای دستگاه مقررات گذار و یک تکلیف تضمین‌گرانه برای دستگاه قضائی است.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

ستاد احیا؛ یار یا بار زاینده‌رود؟

سجاد فتاحی*

پیرو درخواست نمایندگان اصفهان به رئیس‌جمهور مبنی بر ایجاد ستاد احیای رودخانه زاینده‌رود، حسن روحانی به معاون‌اول خود دستور بررسی این درخواست را داده است و به احتمال فراوان چنین ستادی ایجاد خواهد شد؛ اما برای آنکه این ستاد یار زاینده‌رود باشد و نه بار آن، باید نکاتی در نظر گرفته شود که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۱- درصورتی‌که قرار بر این باشد که ستادی همانند ستاد احیای دریاچه ارومیه برای احیای رودخانه زاینده‌رود تشکیل شود، ازآن‌رو که با وجود صرف هزینه‌هایی درخورتوجه تردیدهایی جدی درباره موفقیت ستاد احیای دریاچه ارومیه وجود دارد که می‌توان آن را نشانه‌ای از وجود نواقصی جدی در طراحی ساختار این ستاد دانست، تشکیل ستادی مشابه برای احیای رودخانه زاینده‌رود باید مبتنی بر یک آسیب‌شناسی ساختاری دقیق از ستاد احیای دریاچه ارومیه باشد تا از تکرار اشتباهات در طراحی ساختار ستاد احیای رودخانه زاینده‌رود پرهیز شود.

۲- احیای زاینده‌رود بدون طراحی و اجرای سیستم تطبیقی حکمرانی آب در این حوضه میسر نیست؛ امری که تاکنون مغفول بوده و اصلی‌ترین علت ناپایداری حوضه و حرکت آن به سمت ناپایداری‌های بیشتر در آینده است. براساس‌این اگر بناست ستادی برای احیای زاینده‌رود ایجاد شود، باید طراحی این سیستم را در اولویت کاری خود قرار دهد. طراحی این نظام نیز نیازمند مشارکت همه ذی‌نفعان و متخصصانی از رشته‌های مختلف جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، محیط زیست و آب است که حذف هریک از آنها یا اولویت‌بخشی بدون استدلال به هریک می‌تواند طراحی نهایی این نظام و احیای رودخانه زاینده‌رود را با شکست روبه‌رو کند.

۳- بررسی‌های تاریخی نشان‌دهنده آن است که طرح‌های انتقال و مدیریت منابع آب در حوضه زاینده‌رود از قبیل تونل‌های کوهرنگ یک و دو، چشمه لنگان و سد زاینده‌رود نه‌تنها مشکل دیرین کم‌آبی در حوضه را برطرف نکرده؛ بلکه به‌واسطه بی‌توجهی به عوامل اصلی مؤثر بر افزایش شکاف بین منابع و مصارف آبی حوضه و ایجاد توهم فراوانی آب، بر شدت این شکاف، وابستگی زاینده‌رود به حوضه‌های مجاور و ناپایداری‌های آن افزوده است.

ادامه در صفحه ۴